

بیانیه مفاد پیروزی جنبش سرنگونی جمهوری اسلامی

ما دیگر هرگز فقر را تحمل نخواهیم کرد

نکاتی به مناسبت اعتصاب اخیر کارگران راه آهن بریتانیا

صفحه ۴

حسین مرادیگی (حمه سور)

علیه حجاب اسلامی، علیه جمهوری اسلامی!

صفحه ۶

سیاوش دانشور

در یک نگاه!

دو تحول تاریخی علیه جمهوری اسلامی

صفحه ۷

رحمان حسین زاده

آیا آسیای میانه میدان بعدی جنگ بین قدرتهاست؟

صفحه ۱۰

وریا روشنفکر

اطلاعیه سازمان آزادی زن

سرنگونی دوافکتوی حجاب

هجوم رژیم سیاه اسلامی

ستون اخبار مبارزات کارگری

و اعتراضات اجتماعی

تنظیم: سپیده امیر عسگری، آرش کلهر

یادداشتها،

درود بر زنان و مردان جسور و انقلابی

حکومت اسیدپاش و معضل آزادی بیان

سیاوش دانشور

۶۵۶

مصلحتی کمونیست

حزب کمونیست کارگری ایران - حکمتیست

Worker-communist Party of Iran - Hekmatist

۲۴ تیر ۱۴۰۱ - ۱۵ جولای ۲۰۲۲

اعلامیه حزب حکمتیست

محکومیت حمید نوری،

دریچه ای به آینده

روز پنجشنبه ۱۴ جولای دادگاه استکهلم حکم حمید نوری معروف به حمید عباسی را صادر کرد. صدور حکم ابد برای حمید نوری بعد از یک پروسه طولانی دادگاه و سیر حقوقی و قضائی صورت گرفت. برعکس دادگاههای صحرایی جمهوری اسلامی که مخالفین را بدون دادگاه و با شکنجه محکوم به اعدام می کردند، نوری از تمام امکانات برای دفاع از خود برخوردار بود. این حکم و صدور آن با انفجاری از شادی میان خانواده های زندانیان سیاسی و مخالفین جمهوری اسلامی روبرو شد. برای بسیاری این لحظه ای تاریخی بود که بالاخره یکی از صف بیشمار متهمان به جنایت علیه بشریت در رژیم اسلامی دادگاهی و محکوم شد. اینکه عدالت معنی دارد، اینکه جنایت مشمول زمان نمیشود و با دستکاری در تاریخ و از بین بردن گورهای دستجمعی نمیتوان روی یکی از دهشتناک ترین وقایع تاریخ ایران پرده ساتر کشید.

اروپای تاجر تاکنون تروریست های زیادی را با حکومت اسلامی معامله کرده است. همین امروز برای کارگران و دو فعال فرانسوی و چند فعال چپ سناریوسازی می کنند و دولتهای غربی در تلاش برای

صفحه ۲

آزادی، برابری، حکومت کارگری!



اطلاعیه سازمان آزادی زن

محکومیت حمید نوری، دریچه ای به آینده ...

سرنگونی دوافکتوی حجاب هجوم رژیم سپاه اسلامی

حجاب بیرق رژیم و جنبش اسلامی است. حجاب لوگوی این نظام سرکوب و جنایت است. رژیم اسلامی بدون حجاب و آپارتاید جنسی نمی تواند دوام بیاورد. تحمیل حجاب اسلامی به زنان پیش درآمد تحمیل حجاب اختناق بر کل جامعه بود. همواره یورش به جامعه برای تحکیم اختناق و سرکوب با یورش به زنان هم زمان و همراه بوده است. تابستان در ایران با یورش ارازل و اوباش اسلامی به زنان آغاز می شود. اما امسال متفاوت است.

زنان به تهدیدات این جانپان وقعی نمی گذارند. جنبش اعتراضی در سراسر کشور به میدان آمده است؛ شعارهای "مرگ بر خامنه ای" و "مرگ بر رئیسی" در جامعه طنین انداز است. طبقه کارگر پرچم اعتراض را برافراشته است؛ روزی نیست که شاهد اعتراضات کارگری، بازنشستگان و معلمان نباشیم. خیزش های توده ای علیه فقر و فلاکت، سرکوب و کشتار لرزه بر اندام رژیم انداخته است. از هراس مرگ به جان فعالین سیاسی افتاده است، صد ها نفر را دستگیر و زندانی کرده است. برای تحکیم حاکمیت کثیفش به زنان حمله ور شده است. اما حنای آن دیگر رنگی ندارد.

زنان در ایران در عمل و بشکل دوافکتو حجاب را بدور انداخته اند. حجاب در عمل سرنگون شده است. هجوم نیروهای سرکوب اسلامی نیز نتوانسته حجاب را بر سر زنان بکشد. مرگ این نظام رسیده است. رژیم اسلامی رفتنی است. نه اراجیف و تهدید های خامنه ای و نه هجوم ارازل و اوباش سپاه و بسیج می تواند این موج وسیع توده ای را عقب بکشاند.

حجاب اسلامی به همراه حجاب اختناق به زیر کشیده خواهد شد. جنبش آزادی زن نقشی مهم و کلیدی در سرنگونی این رژیم و در برپایی یک نظام آزاد و برابر و مرفه که زنان در آن نه فقط از حقوق برابر بلکه از برابری واقعی در کلیه شئون برخوردار خواهند بود.

نه به حجاب اسلامی!

ستم بر زن موقوف!

زنده باد آزادی و برابری بی قید و شرط زنان!

سازمان آزادی زن

۱۲ ژوئیه ۲۰۲۲

معامله و معاوضه با جمهوری اسلامی اند. دولت بلژیک که چندی پیش ناچار شد دیپلمات تروریست اسدی و همکارانش را محکوم و زندانی کند، در صدد تصویب قانونی برای مبادله زندانیان است. این قانون طوری نوشته شده است که شامل تروریست ها و جنایتکاران هم میشود. دولت بلژیک باید از واقعه استکهلم درس بگیرد و تصویب چنین قانونی را منتفی کند. تا همین امروز اعتراضات در این زمینه موثر بوده است. باید مواظب بود که چندی بعد نوری ها را معامله نکنند.

اما محکومیت نوری سمبلیک است. او یکی از صدها فرد شکنجه گر، مسئولین اعدام، دادیار و بازجوهای است که در دهه شصت پیچ و مهره های ماشین جنایت اسلامی بودند. این محکومیت دریچه ای به آینده است؛ آن آینده ای که کارگران و مردمی که جمهوری اسلامی را بزیر می کشند، کلیه سران حکومت و عوامل جنایت علیه مردم بیگناه و سیویل را در مقابل چشم جهانیان بطور علنی دادگاهی می کنند. از خامنه ای و آخوندها تا حاکم شرع ها و قضات و دادیار و شکنجه گر و کسانی که در سرکوب مردم شرکت داشتند. آنروز شکوهمندترین روز تاریخ بشر خواهد بود و شادی و شغف مردم ایران و افکار عمومی پیشرو جهان بی حد و حصر و غیر قابل توصیف خواهد بود.

حزب کمونیست کارگری- حکمتیست در تلاش و شادی خانواده های جانباختگان، مخالفین سیاسی و مردم شریف شریک است و به آنها خسته نباشید میگوید. ما این محاکمه و محکومیت را دریچه ای به آینده ای بزرگ و باشکوه تلقی می کنیم، آینده بدون جمهوری اسلامی و بدون ماشین سرکوب و ارباب!

مرگ بر جمهوری اسلامی!

آزادی، برابری، حکومت کارگری!

حزب کمونیست کارگری ایران- حکمتیست

۱۵ جولای ۲۰۲۲ - ۲۴ تیر ۱۴۰۱

با تشکر از رفیق سعید یگانه که در یکماه گذشته سردبیری نشریه کمونیست و انتشار آنرا بعهده داشت. سردبیر.

مرگ بر جمهوری اسلامی!

بیانیه کنگره نهم حزب کمونیست کارگری ایران - حکمتیست

نیازهای فوری مردم.

بیانیه مفاد پیروزی جنبش سرنگونی جمهوری اسلامی

حزب کمونیست کارگری - حکمتیست بعد از دیمه نود و شش این سند را بعنوان معنای سرنگونی رژیم اسلامی با یک پرچم انقلابی منتشر کرد و کنگره نهم حزب مجدداً آنرا تصویب کرد. مفاد طرح شده در این سند معنای سرنگونی و پیروزی بر جمهوری اسلامی را در خطوط کلی بیان میکند. سردبیر.

جنبش عظیم سرنگونی جمهوری اسلامی صحنه سیاست در ایران را دگرگون کرده است. خروش اردوی بی شمار کار و مردم ضد تبعیض و آزادیخواه علیه گرانی و فقر و فلاکت اقتصادی، علیه استبداد و اختناق، بلاواسطه به سرنگونی کلیت جمهوری اسلامی گره خورده است. مرگ بر جمهوری اسلامی محوری ترین شعار و خواست مردم بیخاسته در تظاهراتهای توده ای بیش از صد شهر ایران در دی ماه ۹۶ و آبانماه ۹۸ است. درعین حال، امروز که سرنگونی طلبی به بستر اصلی سیاست ایران تبدیل شده است، جنبشهای مختلف معنا و مفهوم خود را از سرنگونی بدست میدهند. اردوی بیخاستگان، کارگر و کمونیسم، زنان انقلابی که در صف اول نبرد علیه اسلام و خرافه اند و تصاویرشان در رسانه ها به لوگوی این خیزش بدل شده است، جوانان انقلابی و پیشرو نیز افق و معنای خود را از سرنگونی جمهوری اسلامی و بزیر کشیدن جمهوری اسلامی دارد. برای جنبش عظیم و رادیکالی که امروز در ایران در جریان است و حزب کمونیست کارگری - حکمتیست، معنای سرنگونی جمهوری اسلامی، در بندهای زیر اعلام و اجرا میشود:

۱- درهم شکستن ماشین دولتی و انحلال تمامیت حکومت جمهوری اسلامی، با جناحها و کلیه بنیادهای سیاسی - اداری و نظامی و مذهبی آن.

۲- دستگیری و محاکمه و مجازات سران جمهوری اسلامی در یک دادگاه علنی.

۳- آزادی کلیه زندانیان سیاسی. لغو "جرم" سیاسی و برچیدن زندان سیاسی. لغو مجازات اعدام. لغو شکنجه.

۴- انحلال ارگانهای سرکوب و مافوق مردم اعم از سپاه پاسداران، ارتش و نهادهای انتظامی و سازمانهای اطلاعاتی. مصادره و کنترل بر کلیه امکانات تسلیحاتی، تدارکاتی و اموال و دارائی ها.

۴- مسلح کردن مردم در ملیس توده ای برای دفاع از آزادی فرد و جامعه، برای سرکوب مقاومت بازماندگان جمهوری اسلامی، برای مقابله با تعرض هر نیروی ارتجاعی به آزادی ها و حقوق مردم.

۵- کوتاه کردن دست مذهب از زندگی مردم. برچیدن و انحلال بنیادها و موسسات مذهبی حکومتی. مصادره اموال و دارائی های این موسسات چهل و خرافه و کلیه موقوفات و تخصیص آن برای رفع

۶- الغای کلیه قوانین و مقررات مذهبی. جدائی کامل مذهب از دولت و آموزش و پرورش. آزادی مذهب و بی مذهبی برای بزرگسالان.

۷- نفی کامل اختناق از طریق اعلام و اجرای آزادی بی قید و شرط سیاسی و عقیده، بیان، مطبوعات، اجتماعات، تشکل، تحزب و اعتصاب. لغو انحصار دولتی بر رسانه ها. دسترسی همگانی بویژه تشکلهای توده ای کارگران و مردم و احزاب سیاسی به رسانه های جمعی دولتی.

۸- نفی کامل آپارتاید جنسی و حجاب و ستم براساس جنسیت از طریق لغو کلیه قوانین ضد زن و تبعیض آمیز، اعلام و اجرای برابری کامل و بی قید و شرط زن و مرد در همه شئون زندگی فردی و اجتماعی.

۹- نفی هر نوع ستم و تبعیض از طریق اعلام و اجرای برابری کامل حقوق همه شهروندان، صرف نظر از جنسیت، مذهب، ملیت، نژاد و تابعیت.

۱۰- نفی فقر و تضمین تامین معیشت و رفاه همه شهروندان متناسب با امکانات و استانداردهای دنیای امروز، از طریق تعیین متوسط دستمزد پاسخگوی این سطح از زندگی توسط شوراهای و نهادهای منتخب کارگران، تامین بیمه بیکاری مکفی برای همه افراد آماده بکار بالای ۱۶ سال، پرداخت بیمه بیکاری مکفی و سایر هزینه های ضروری به کلیه کسانی که به علل جسمی یا روانی توان اشتغال به کار ندارند، و تضمین آموزش و بهداشت و سلامتی رایگان شهروندان.

۱۲- اعمال حاکمیت توده ای در سطوح مختلف از طریق ایجاد ارگانهای اعمال اراده مستقیم مردم. ایجاد شوراهای در محل کار و زیست تا سطوح شهری و منطقه ای و سراسری متضمن اعمال اراده مستقیم کارگران و مردم آزادیخواه بجای حاکمیت سیاه جمهوری اسلامی است.

حزب کمونیست کارگری - حکمتیست، طبقه کارگر و جنبش آزادی زن و مردم زحمتکش و آزادیخواه، احزاب سیاسی چپ و انقلابی و کمونیست، تشکل های توده ای و فعالین سیاسی را به تلاش برای پیروزی بر جمهوری اسلامی با یک پرچم چپ فرامیخواند. برای این اردو حیاتی است که افق و معنا و مضمون سرنگونی جمهوری اسلامی را توده گیر کند، در هر مرحله و تناسب قوای مبارزه به آن متکی شود و به چیزی کمتر از سرنگونی کامل جمهوری اسلامی رضایت ندهد. اجرای فوری مفاد بالا گشایش مهمی در شرایط کار و زندگی و در حیات سیاسی و اجتماعی مردم ایجاد میکند. درعین حال برای طبقه کارگر و اردوی کار ایران، سرنگونی جمهوری اسلامی یکی از ملزومات و گام اول رهایی قطعی از استثمار و ستم سرمایه داری و تلاش برای تحقق یک پیروزی کارگری، استقرار و اجرای آزادی و برابری و رفاه، و بنیاد گذاشتن جمهوری سوسیالیستی است.

توضیح: سند بالا به دنبال عروج جنبش سرنگونی در دی ماه ۹۶ تدوین و در پایان دی ماه همان سال به تصویب دفتر سیاسی حزب رسید. کنگره نهم حزب حکمتیست این سند را تصویب کرده است. *



است، تصمیم گرفته است که 3000 کارگر را از کار اخراج کرده و تغییراتی را در شیفتهای کاری کارگران بوجود بیاورد که معنی عملی آن، مطابق معمول، در شرایط رکود اقتصادی فعلی، منجمد نگاهداشتن دستمزدها که بیشتر از دو سال از آن میگذرد، تشدید کار به منظور کشیدن کار بیشتر از بقیه کارگران شاغل و افزایش شیفتهای مورد نظر کارفرما است. مذاکرات مداوم با

کارفرما نتیجه نداد، کارگران ناچار از اعلام اعتصاب شدند. خواست کارگران، افزایش 7% اضافه دستمزد، دادن تضمین کارفرما مبنی بر خودداری از اخراج کارگران و کاهش سن بازنشستگی است. کارفرما با 3% اضافه دستمزد موافقت کرده است اما گفته اند که هیچ تضمینی در مورد اخراج کارگران نخواهند داد. دولت محافظه کار از دخالت در آن به این بهانه که این مساله مربوط به رابطه بین این کارگران با بخش خصوصی است، خودداری میکند، در حالی که گراند شاپس (Grand Shapps)، وزیر کار و امور اجتماعی این دولت، کارگران راه آهن را تهدید کرده است که اگر به اعتصاب خود پایان ندهند و یا آن را ادامه دهند، لایحه ای را به تصویب خواهد رساند که به کارفرمای بخش خصوصی نیز امکان میدهد که در چنین مواقعی از کارگران دیگر بخشهای خود برای مقابله با اعتصاب استفاده کنند! به نظر میرسد که امروز سه شنبه 12 ژوئیه این قانون را تصویب کرده باشند.

واقعیت این است که هم دولت محافظه کار و هم کارفرمای بخش خصوصی، علیرغم تحمل میلیاردها پوند ضرر، دست به یکی کرده اند تا با توافقی مطابق میل خود با کارگران راه آهن یا با شکست دادن آنان در شرایط رکود اقتصادی فعلی و افزایش اعتراضات عمومی به افزایش هر روزه قیمت مایحتاج عمومی مردم، از شروع اعتصابات که در راه است جلوگیری کنند. برای کارگران راه آهن هم پیروزی در این اعتصاب، نه با خط و نشانی که کارفرما میکشد، بلکه با تحمیل خواستههای خود کارگران به کارفرما، تاثیر دامنه داری نه تنها بر مبارزات آنان در آینده که مبارزات درحال گسترش دیگر کارگران و معلمان را نیز تقویت خواهد کرد.

گاردین در 24 ژوئن 2022 با 5 نفر از مراکز مختلف کار مصاحبه کرده است، یکی از آنها زن کارگری که بیش از 10 سال است کار میکند، گفته است که فقیرترین بخش مردم بریتانیا کارگراند. این به تنهایی گویای موقعیت اجتماعی کارگر در بریتانیا است. کارگر در بریتانیا ارزان تر از کارگران در تمام کشورهای اروپایی است. برای مثال شرکتهایی که به (GIG Company) معروفند و کالاهای مختلفی را که در نت خریداری میشوند به دست خریداران آن میبرسانند، حدود 6 میلیون کارگر را دربرمیگیرند که 4 پوند در ساعت حقوق میگیرند، ظاهراً حداقل دستمزد مصوب هم بالای 8 پوند است! گاردین 26 ژوئن 2022. یکی از دلایلی که سرمایه داران تمایل کمتری برای سرمایه گذاری در خارج این کشور نشان میدهند، ارزان بودن کارگر در بریتانیا است.

بعد از حاشیه ای شدن تدریجی ویروس کرونا با درنظرگرفتن وزنه سیاسی - اجتماعی طبقه کارگر در تحولات سیاسی آتی

ما دیگر هرگز فقر را تحمل نخواهیم کرد

نکاتی به مناسبت اعتصاب اخیر کارگران راه آهن بریتانیا

حسین مرادیگی (حمه سور)

“ثروتمندان هر روز ثروتمند تر و ثروتمند تر میشوند و کارگران هر روز فقیر تر و فقیرتر میشوند، ما دیگر هرگز این فقر را تحمل نخواهیم کرد.” اینها بخشی از سخنان مایک لینچ (Mick Lynch) رهبر اتحادیه کارگران راه آهن و حمل و نقل (RMT) در بریتانیا در جریان اعتصاب کارگران راه آهن خطاب به جمعی است که به این مناسبت جمع شده بودند.

اهمیت این اعتراض شورانگیز به وضع موجود در اعلام علنی آن رو به جامعه و شرکت متحدانه 40 تا 50 هزار کارگر اعتصابی راه آهن در حمایت از آن است، آنهم در بریتانیا! یکی از ستون نویسهای گاردین به نام اندی بکت (Andy Becket) در این مورد چنین می نویسد: “در بریتانیا بیش از بسیاری از کشورهای دموکراتیک اقدام به اعتصاب، خطر کردن است. صاحب کار شما، دولت، بیشتر میدیا، بیشتر مردم و اغلب احزاب مخالف، علیه شما هستند - یا در بهترین حالت، حمایت نمی کنند. از دست دادن درآمد شما بعید است با پرداخت اعتصاب جبران شود. (میگویند) به روشهای عمومی، قوانین اقتصاد مدرن را زیر پا میگذارید: امتناع از کار کردن، ایجاد مزاحمت برای مصرفکنندگان، اقدام جمعی به جای فردی، و درخواست پول بیشتر به طور آشکار - به جای خصوصی، همانطور که افراد قدرتمندتر انجام میدهند. اگر شما در قطب چپ هستید، احتمالاً بارها و بارها به شما گفته می شود که اعتصاب شما از نظر سیاسی نتیجه معکوس دارد.” نویسنده فراموش کرده است که به نقش اصلی دادگاهها در خالی کردن صندوق حمایت از اعتصاب کنندگان اشاره کند. این دولت تاچر و پلیس اسب سوار آن نبودند که معدنچیان را (1984-1985) شکست دادند، بلکه دادگاهها بودند که با بستن جریمه های پی در پی، صندوق حمایت از اعتصاب آنان را خالی کردند و کارگران را شکست دادند. درهرحال، نویسنده این مقاله با شروع اعتصاب کارگران راه آهن و دیگر اعتصابات کارگری در بریتانیا می پرسد، آیا این اعتصابات میتوانند این وضعیت را عوض کنند؟

اعتصاب کارگران راه آهن بریتانیا در چنین شرایطی برگزار شد، در یکی دو مورد از جانب رسانه ها با اقدامات ضد کارگری ای روبرو شدند، اما برد چندانانی نداشت، نشان داد که اوضاع نسبت به سابق فرق کرده است. گرانی درحال اوج مایحتاج عمومی مردم و گسترش مداوم فقر بویژه در 12 سال حاکمیت دولت محافظه کار نه تنها طبقه کارگر که لایه های پائینی طبقه متوسط را نیز در بر گرفته است، طوریکه افکار عمومی را در تقابل با دولت محافظه کار قرار داده است. 75% از مردم بویژه جوانان زیر 30 سال از اعتصاب کارگران راه آهن حمایت کردند.

اما در مورد اعتصاب کارگران راه آهن بریتانیا به اختصار، کارفرمای بخش خصوصی، “ایجاد رفرف و مدرنیزه کردن راه آهن” را بهانه کرده

ما دیگر هرگز

فقر را تحمل نخواهیم کرد...

آنچه که مشخصه اعتصابات و اعتراضات کارگری این دوره است، یکی نقش مستقیم خود کارگران است از پائین برای دخالت در اعتصابات که دول بورژوا و سرمایه داران آنان را ناچار از آن میکنند، دیگری خواست افزایش دستمزدها است که در صدر تمام خواستها و مطالبات همه اعتصابات و اعتراضات کارگری در تمام کشورهای سرمایه داری قرار دارد.

بحث دستمزد و افزایش دستمزدها بویژه در شرایط گرانی شدید مایحتاج عمومی طبقه کارگر، از یک طرف بیانگر تلاش طبقه کارگر است در تن ندادن به فقری که دول بورژوا و سرمایه داران به این طبقه تحمیل کرده اند، از طرفی دیگر حاکی از افزایش کشمکش طبقه کارگر و طبقه حاکمه بورژواست بر سر سهم ببری از محصول نهائی، کشمکشی که به وسعت جهان بطور شبانه روزی در جریان است. به این جهت بویژه در شرایط رکود یا بحران اقتصادی، با مقاومت شدید دول بورژوا و سرمایه داران روبرو میشود. این استدلال که افزایش دستمزدها باعث تورم بیشتر میشود، ترفند دول بورژوا و سرمایه داران است برای خودداری و امتناع از افزایش دستمزد کارگران.

نکته مهم در این رابطه این است که طبقه کارگر اگر بخواهد رکود و یا بحران اقتصادی سرمایه داری را بر این طبقه سرشکن نکند، هر جا که ممکن شود، باید آن را به بحران سیاسی و بی ثبات کردن دول بورژوازی تبدیل کند حتی اگر بخواهد خواست دستمزدها و دیگر خواستها و مطالبات رفاهی خود را نیز به آنان تحمیل کند. برای مثال، بریتانیا اکنون با رکورد اقتصادی روبرو است. نارضایتی عمومی از افزایش فقر و گرانی هر روزه مایحتاج عمومی بسیار بالا است طوریکه نخست وزیر دولت محافظه کار را ناچار از قبول استعفا کرده و دولت آن را نیز در وضعیت بحرانی ای قرار داده است. بهره برداری کارگران از این وضعیت به نفع خود با افزایش فشار بر دولت و سرمایه داران، بدون تردید کارگران را در تناسب قوای بهتری در مقابل آنان قرار خواهد داد.

مثال زنده دیگر و مورد نظر، سرمایه داری ایران تحت حاکمیت جمهوری اسلامی است. جمهوری اسلامی نه تنها بحران اقتصادی که بحران سیاسی همراه آن را هم همزمان داشته است و اکنون نیز هر دوی آن را با خود حمل میکند. پوزه خونین و چنگ و دندان نشان دادن و سرکوب و بگیر و به بند و تلاش فعلی سران جمهوری اسلامی در سفت و سخت کردن قوانین اسلامی و فشار بر زنان و غیره، یعنی تکرار نمایشی توحشی که این حکومت 43 سال است بطور شبانه روزی به آن مشغول بوده است و مقاومت زنان برابری طلب و کارگران و دیگر مردم آزادیخواه و منتفر و منزجر از حکومت اسلامی این رژیم را به اینجا رسانده است، برای مقابله با این بحران و جلوگیری از تشدید و خارج شدن کنترل آن از دست سران این حکومت است.

فعلا ضرورت وجود حزب طبقه کارگر در تحولات سیاسی آتی ایران، حزبی که گرایش کمونیسیم کارگری درون طبقه کارگر را نمایندگی کرده و از نظر بخشهایی از کارگران و جامعه نیز غیر قابل انکار باشد به کنار چرا که باید در نوشته دیگری به آن پرداخت و در اینجا مد نظر من نیست. آنچه که کارگران در ایران اکنون و در رویارویی با جمهوری اسلامی و سرمایه داران کارفرما کم دارند، اعتصاب و

جهان، پیش بینی شروع اعتصابات و اعتراضات این طبقه و دیگر اقشار کم درآمد در تقابل با دول بورژوا و سرمایه داران در سراسر جهان چندان مشکل نبود. شکاف عمیق طبقاتی موجود که خود را از یکطرف در افزایش ثروت میلیاردری اقلیتی انگل و از طرفی دیگر محروم کردن میلیاردها انسان از ابتدائی ترین امکانات زندگی در متن پیشرفت صنعتی و انفورماتیک و در عصر فراوانی فعلی نشان میدهد، تناقض رو به گسترش تولید کاپیتالیستی را با نیازهای انسان و برخورداری از زندگی شایسته انسان امروز را نیز هر روز برجسته تر میکند.

پیشتر گفتیم که دهه پیش رو به دلیل اوضاع کنونی جهان و روندهائی که تولید کاپیتالیستی در این دوره وارد آن شده است، دهه متحولی در کشمکش طبقه کارگر و دول بورژوازی و سرمایه داران در اکثر کشورهای سرمایه داری خواهد بود. پیشروی طبقه کارگر در این دوره به این بستگی دارد که این طبقه و رهبران و فعالین و کارگران رادیکال - کمونیسیت آن چگونه در آن ظاهر خواهند شد.

در دوره کرونا در بریتانیا رهبران اتحادیه های کارگری و حزب کارگر تمام اعتصابات اعلام شده را با این توجیه که شرایط کرونائی است و نباید دولت محافظه کار را تحت فشار قرار داد، خواباندند. در هند 200 میلیون کارگر و مردم محروم که میگفتند این وضع دیگر قابل تحمل نیست به میدان آمدند، رهبران اتحادیه های کارگری در همکاری با دولت هند به آن پایان دادند. در جریان اعتصاب اخیر کارگران راه آهن، رهبری حزب لیبر به اعضاء دولت در سایه و نمایندگان خود در پارلمان تاکید کرده بود که نباید در پیکت اعتصابی این کارگران شرکت کنند، 3 نفر آن را رعایت نکردند، تهدید به اخراج شدند. اتحادیه کارگران بخش زمینی شرکت هواپیمائی بریتانیا (British Air line) که برای افزایش دستمزدها اعتصاب کرده بودند، خطاب به رهبری حزب لیبر گفتند که این حزب بجای اینکه از اعتصاب کارگران حمایت کند از آنان میخواهد به اعتصاب خود پایان دهند! در هند تقریباً تمام احزاب و سازمانهای مختلف که خود را کمونیسیت و مارکسیست و چپ میخوانند اعلام کرده بودند که از 25 ماه مه به مدت 6 روز کارگران و مردم معترض را به اعتصاب عمومی فرامیخوانند، چند ساعت بعد بی سروصدا حرف خود را پس گرفتند.

در کل، تجارب این مدت هم یک بار دیگر نشان داد که از احزاب و سازمانهای چپ بورژوائی و غیر کارگری از لیبر و سوسیال دمکرات گرفته تا چپ خارج از آنان نه تنها خیری به طبقه کارگر نرسیده و نمیرسد، بلکه در مواقع رکود و بحران اقتصادی نیز به کمک راست بورژوازی خود میبایند تا آن را با افزایش فشار بیشتر بر طبقه کارگر از سر بگذرانند.

کارگر، معلم پیاخیز، برای رفع تبعیض!



میان برخی گروه های سنتا آنتی امپریالیست، حجاب را تقدیس کردند و آنرا نماد نوعی "مقاومت در مقابل آمریکا" خواندند و موثلف جنبش اسلامی شدند.

شرایط مبارزه ما تغییر کرده اما سیاست ما معرفه است. بعنوان کسانی که پرچمدار برابری کامل زن و مرد در تمام شئون

اجتماعی بودیم، بعنوان کسانی که برای نفی حجاب اسلامی و نظام آپارتاید جنسی مبارزه کرده ایم و طی سالهای طولانی در گوشه و زوایای این نبرد با جمهوری اسلامی و جنبش ملی اسلامی و مصلحان "اسلام و حقوق زن" و همینطور با سیاستهای مولتی کالچرالیستی و تبعیض آمیز علیه زنان و کودکان در محیطهای اسلامی جنگیده ایم، بعنوان کسانی که فرمولاسیون ها و شعارها و سیاستهایی را در این قلمرو به مرکز سیاست کشانده ایم؛ راهمان را در این شرایط جدید با قاطعیت و بدون تخفیف ادامه میدهیم.

آزادی پوشش برای بزرگسالان، ممنوعیت حجاب کودکان، ممنوعیت دست درازی مذاهب به کودکان، برچیدن مدارس مذهبی و شمول قوانین یکسان بر همه شهروندان، علیه راسیسم مولتی کالچرالیستی و اسلاموفوبی. در ایران سرنگونی بی چون و چرا و کامل حکومت اسلامی، نفی نظام آپارتاید جنسی و اسلامی، کوتاه کردن دست مذهب از دولت و آموزش و پرورش، برچیدن کلیه قوانین ضد زن و نهادها و دستگاه مذهب، حمایت وسیع و دولتی و قانونی از زنان در مقابل هر نوع تعرض مردسالارانه، زن ستیزانه و تبعیض آمیز. اعلام برابری کامل زن و مرد در تمام شئون اجتماعی و تبدیل آن به فرهنگ مسلط و قدرتمند جامعه.

ما میگوئیم آینده ایران غیر اسلامی و غیر مذهبی است. هر نیروئی که به اسلام و آخوند باج دهد جایی در آینده سیاست ایران نخواهد داشت. نیروئی که حقوق زن را به ملاحظات "فرهنگ ایرانی" و "زن فرمانبردار شرقی" و فاطمه و زینب گره میزند، میخواهد تبعیض براساس جنسیت را در مغز استخوان جامعه نگاهدارد، تفاوت اینست که از اسلام به ناسیونالیسم شیفتمی می کنند و اینبار ملاحظات و "مقدسات ملی" اش را برمی شمارد تا به "مقدسات مذهبی" قبلی اضافه کند. ما میگوئیم آزادی زن تفسیربردار نیست، روشن و بدون ابهام است و هر مدعی مدافع حقوق برابر زن و مرد و رفع تبعیض براساس جنسیت، باید بدون لکننت زبان از آن دفاع کند:

ما حجاب اسلامی نمیخوایم. حجاب چه اجباری چه اختیاری نماد تحقیر زن و بیرق بردگی زن است. ما این بیرق را بزیر می کشیم و می سوزانیم. ما با حجاب سوزان در یکی از همین روزهای نبرد برسر نفی جمهوری اسلامی، راه را بر هر سازش و مماشات با اسلامیون و "آخوندهای خوب" می بندیم.

ما علیه تبعیض و نابرابری هستیم، علیه تبعیض براساس جنسیت و قوانین مترتب بر آن هستیم، علیه دستگاه عریض و طویل تبلیغاتی و حکومتی و ضد زن هستیم، علیه قاتلین زنان از حکومتی

علیه حجاب اسلامی، علیه جمهوری اسلامی!

سیاوش دانشور

بخط شدن سراسیمه و فوق برنامه کل حاکمیت اسلامی علیه "بدحجابی" و دستورات وزارتخانه ها و ادارات و نیروهای امنیتی و نظامی، حاکی از یک آماده باش حکومتی و آغاز دور دیگری از جنگ با زنان و جامعه است. این حرف قدیمی ما که "حجاب یک بارومتر سیاسی است" امروز بیش از هر زمان قابل درک است. هر وقتی حمله به زنان به بهانه "بد حجابی و بی حجابی" آغاز میشود، قبل آن جامعه دستخوش مسائلی است که حکومت را به یک تعرض سرکوبگرانه نیازمند کرده است. اما این تنها یک معرفه و یک شناسه است، تنها عامل نیست. یک عامل مهمتر جنبش نخواستن حجاب و مقاومت در مقابل قوانین اسلامی و نفی آگاهانه آن بطور روزمره توسط زنان و مردان است. این یک جنبش واقعی و ریشه دار و قائم بذات است، روی پای خودش است و مکانیزم مبارزاتی خود را دارد. تمام جنبش های سیاسی تلاش کرده اند روی این واقعیت پلی بزنند و سیاستی داشته باشند.

سیاست ما تقابل محکم و بی تخفیف با جمهوری اسلامی و قوانین ضد زن و حمایت از زنان و مردان مبارز برای نفی و زیرپا گذاشتن حجاب و قوانین آپارتاید جنسی و اسلامی است. سیاست ما بزیرکشیدن حجاب اسلامی است. حجاب پوشش نیست، یک تکه پارچه نیست، حجاب سمبل بردگی زن در اسلام است. حجاب پرچم جنبش اسلام سیاسی و کلیه شاخه های آنست. حجاب در جنبش اسلامی معادل آرم صلیب شکسته برای جنبش فاشیستی است. حجاب یک طوق ایدئولوژیک است، نماد اعمال حاکمیت جریان اسلامی بر زنان است.

فرمان اجباری شدن حجاب اسلامی توسط خمینی با مهمترین تظاهرات زنان در خاورمیانه در صد سال گذشته مواجه شد. هشتم مارس برابر با ۱۷ اسفند ۱۳۵۷ روز تولد جنبش وسیع آزادی زن در ایران است که علیه حجاب و برای برابری بیقید و شرط زن و مرد و حقوق جهانشمول ب میدان آمد. حجاب اسلامی یک رکن مهم ایدئولوژی حکومت اسلامی است و تقابل بیوقفه و پیشرونده زنان با حجاب دقیقاً تقابل با این سمبل بردگی و برای نفی قوانین اسلامی است. حجاب یک قلمرو کشمکش سیاسی حاد در جامعه ایران علیه جمهوری اسلامی است. قوانین و تمهیدات اخیر دایناسورهای حکومتی، از پیش محکوم به شکست است. بارها این روشها و سیاستها را در دستور گذاشتند و بارها با خفت عقب رانده شده اند.

در غرب و بویژه بعد از ۱۱ سپتامبر حجاب معنی دیگری یافت. فاشیستها و اسلامیها روی "اسلاموفوبی" مانور دادند، یکی تقابل با جنبش اسلامی را به تقابل با مردم منتسب به "مسلمان" ارتقا داد و دیگری ممنوعیت حجاب و جلوگیری از تظاهر مذهبی در محیط های آموزشی و اداری را با "راسیسم و اسلاموفوبی" توضیح داد. در این

در یک نگاه!

دو تحول تاریخی علیه جمهوری اسلامی

رحمان حسین زاده



مقطع و امروز حکم محکومیت گرفتند. این اولین دستاورد مهم این کارزار است. وقتی که حمید نوری عنصر دسته دوم و یا سوم قتل‌سنگین عامهای جمعی ۶۷ و کل کشتار دهه شصت پرونده اش چنان است که به اشد مجازات محکوم میشود، به وضوح خمینی دستور دهنده و همه کاربدستان ریز و درشت فرمانبرش در نظام از آن وقت تاکنون و به ویژه رئیسی و اعضای هیئت مرگ

اجرا کننده این جنایات، دهها برابر مجرمتر از حمید نوری به اشد مجازات محکومند. نکته مهم دیگر اینست که محاکمه و مجازات حمید نوری، راه را برای محاکمه سران جمهوری اسلامی بسیار هموارتر کرده است. ادله و اسناد ۹۲ جلسه دادگاهی حمید نوری در دادگاه یک کشور اروپایی با استاندارد پیشرفته امروزی، اکنون گنجینه مهم ادعانه مردم ایران علیه خامنه ای و همه سران جمهوری اسلامی است. سلسله جلسات دادگاهی حمید نوری، کل فاجعه قتل عامهای دهه شصت و سال ۶۷ را به میلیونها جوان کمتر مطلع از آن دوران و به ویژه به افکار عمومی جهان معرفی کرد. این دومین دستاورد مهم جنبش دادخواهی و حق طلبانه مردم ایران است. سومین دستاورد مهم، این واقعیت است، حقانیت و پیروزی جنبش دادخواهی و حق طلبانه مردم در صحنه دادگاه استکهلم، به همراه موفقیت جنبش ضد حجاب در همین هفته و پیشروی اعتراضات توده ای و جنبش سرنگونی طلبانه در دو ماهه اخیر به وضوح تناسب قوا را به نفع جبهه مبارزاتی کارگران، زنان و نسل جوان و توده وسیع مردم تغییر داده است. در چنین شرایطی تصور سرنگونی جمهوری اسلامی و به محاکمه کشاندن سران و کاربدستان جمهوری اسلامی واقعی تر از هر وقت در چشم انداز است. رویداد دیروز دادگاه استکهلم تاریخی بود، حضور در لحظه اعلام حبس ابد حمید نوری قاتل شورانگیز بود، و به این مناسبت احساس اولیه ام را در یادداشت زیر چنین بیان کردم.

لحظه تاریخی و فراموش نشدنی اعلام حکم حبس ابد حمید نوری در سوئد

امروز شانس داشتم، شریک شادی وصف ناپذیر و احساسات عمیق انسانی اجتماع کنندگان حق طلب و امیدوار مقابل دادگاه شهر استکهلم در لحظه اعلام حبس ابد جنایتکار حمید نوری باشم. شنیدن هورای سرمست از پیروزی حدود هزار انسان تشنه شنیدن اشد مجازات طبق قوانین سوئد برای این جلاد، برآستی لحظه ای فراموش نشدنی و شورانگیز بود. مشاهده اشک شوقهای بسیاری از دادخواهان و بستگان عزیزان جانبخته در قتل عامهای سال ۶۷ و دهه شصت و همراهی همه حاضران منتظر از جمهوری اسلامی با آنها، مشاهده رقص و شادی بسیاری که به معنای واقعی کلمه در پوست خود نمی گنجیدند و گل پخش میکردند، دیدن مشت‌های گره کرده پر از عزم و اراده برای پایان دادن به عمر جمهوری اسلامی و به محاکمه کشاندن خامنه ای و رئیسی و همه جلادان از جناحین مختلف این رژیم سفاک حقیقتاً لحظه تاریخی ماندگار و فراموش نشدنی را موجب شده بود. به دوستی در کنار

تحول اول: پیشروی جنبش ضد حجاب و جمهوری اسلامی
در بیست و یکم تیر کمپین "حجاب بی حجاب" و تحرک بالای پرت کردن و سوزندان حجاب در شهرهای ایران موفقیت بزرگی را ثبت کرد. همان وقت و در یادداشتی نوشتم، "حجاب، بی حجاب و حجاب سوزان" دیروز ۲۱ تیر ۱۴۰۱ یک نقطه عطف مهم مبارزاتی همانند دی ماه ۹۶ و آبان‌ماه ۹۸ است. نه فقط خاکریز، بلکه کل پیکره جمهوری اسلامی را لرزاند. عکس العمل سراسیمه سران نظامی و انتظامی و حکومتی این واقعیت را تأیید می‌کند. حکومت به اصطلاح یک دست شده، در دنیای وارونه و مالیخولیایی به زعم خود با سازماندهی هفته "حجاب و عفاف" قصد عقب راندن زنان و کل جامعه و اعتراضات و جنبش سرنگونی را داشتند. در همان روز نخست اولاً، کمپین "حجاب و عفاف" مظهر تجر و تعصب و خرافه رژیم شکست خورد و ثانیاً فرصت تعرض نسل جوان دختر و پسر و زنان و مردان آزادیخواه را به حجاب نماد اسلام و کل موجودیتشان فراهم کرد و چه جسورانه و خلاقانه ضربات گیج کننده به سرپای اسلام و حکومت نکبتشان وارد شد. تیرماه ۱۴۰۱ مستقیماً به جنبش ضد حجاب و اسلام اسفند ۵۷ وصل شد. جنبش ضد حجاب دیروز جهشی بزرگ در راستای جaro کردن اسلام و جمهوری اسلامی است. جمهوری اسلامی نمیتواند به آسانی از زیر ضربه ای که ۲۱ تیر ۱۴۰۱ خرد، کمر راست کند.

عکس العمل همان روز و فردای رئیسی و مسئولان دولتی نشان داد، به راستی ضربه کمرشکن خورده اند. احمد واحدی تروریست شناخته شده بین المللی در ظرفیت وزیر کشورشان، مستأصلانه گفت، "کارزار مقابله با حجاب و عفاف" به زعم او مقابله با "هویت نظام" تحمل نخواهد شد. نماینده خامنه ای در ارتش گفت، "حجاب خاکریز اول نظام و مورد هجوم است و اگر این خاکریز برود، نظام رفته است". جناب نماینده "رهبر" باید در بیست و یکم تیرماه به خوبی دیده باشد، نسل جوان پرشور دختر و پسر و زنان مردان آزادیخواه سازنده نقطه عطف تاریخی "حجاب سوزان و حجاب بی حجاب" مدتها است از خاکریز جمهوری اسلامی عبور کرده و برای برچیدن کل نظام خیز برداشته اند. تناسب قوای بین مردم و جمهوری اسلامی بعد از پیشروی مبارزه ضد حجاب در روز بیست و یکم ۱۴۰۱ به طور جدی به نفع جنبش خلاصی از جمهوری اسلامی و سرنگونی آن تغییر کرده است. این اولین تحول مهم هفته گذشته بود.

تحول دوم: محکومیت حمید نوری، محکومیت خمینی و کلیت جمهوری اسلامی است!

در بیست و سوم تیرماه ۱۴۰۱ نه فقط حمید نوری، بلکه مهمتر بنیانگذار سفاک جمهوری اسلامی خمینی و همه کاربدستان جمهوری اسلامی آن

ما دیگر هرگز

فقر را تحمل نخواهیم کرد...

اعتراض مداوم نیست، بلکه بی سازمانی طبقه کارگر است، بی سازمانی به معنی تشکل کارگری. طبقه کارگر در ایران با یکی از هارترین و ضد کارگری ترین دول بورژوازی جهان روبرو است که عمداً این طبقه و دیگر اقشار کم درآمد را گرسنه نگاه داشته و نگاه میدارد تا سلطه خود را بر آنان حفظ کند. بدون تشکل به جنگ این رژیم رفتن، کارگر با همه تلاش و فداکاریش حتی برای تامین مطالبات رفاهی و افزایش دستمزدها و ایجاد بهبودی در شرایط کاری خود نیز، همچنان در مقابل رژیم اسلامی پراکنده می ماند. کارگر اگر بخواهد به نیرویی متحد و تاثیر گذار در تحولات سیاسی آتی ایران تبدیل نیز شود باید بسازد و متحد شود.

لااقل در ۷ - ۸ سال گذشته اعتصاب و اعتراض کارگران در جدال با حکومت اسلامی و سرمایه داران بر سر خواستها و مطالبات رفاهی و حق تشکل و اعتصاب و غیره بی وقفه ادامه داشته است که نقش مهمی در رادیکالیزه کردن فضای جامعه ایران و خواستها و شعارهای رادیکال دیگر اعتراضات به جمهوری اسلامی داشته است. این مدت فرصت بسیار خوبی برای ساختن و متحد شدن بود، فرصت هنوز باقی است، یعنی راهی جز متحد شدن و متشکل شدن کارگران وجود ندارد، باید آن را متحقق کرد.

بحث و استدلال بیشتر در این مورد و راه حل آن را، در وضعیتی که جمهوری اسلامی اجازه ایجاد سندیکا و اتحادیه مستقل کارگران را نمیدهد، بخاطر اجتناب از طول مطلب، به نوشته دیگری موکول میکنم، چرا که باید در مورد دست به کار شدن و عملی کردن آن بیشتر توضیح داد.

12 ژوئیه 2022

به حزب حکمتیست

کمک مالی کنید!

علیه حجاب اسلامی، علیه جمهوری اسلامی ...

تا غیر حکومتی هستیم، علیه کلیه "مقدسات" و مزخرفاتی هستیم که اسلام و ناسیونالیسم و هر نوع عقب ماندگی فکری و فرهنگی میخواد بر ما تحمیل کند. ما خواهان برابری کامل و مطلق زن و مرد در تمام شئون زندگی اجتماعی از قوانین و خانواده و اجتماع تا فرهنگ و سیاست و اقتصاد هستیم. زنان حق دارند و نباید به کسانی که میخواهند نابرابری بنیادی در جامعه را حفظ و مرمت کنند و همزمان از "حقوق و آزادی زن" سخن میگویند، اعتماد کنند. اینها همان قبلی ها در لباس جدیدی هستند.

تابستان داغی پیش رو است. ارتجاع اسلامی و نقاره کشانش علیه زنان بخطر شده اند. بحدی از قدرت زنان وحشت کرده اند که یکباره "جهادی" شده اند اما هیچ غلطی نمیتوانند بکنند. باید درس فراموش نشدنی به آنها داد. باید پشیمانشان کرد که نمیتوانند ایستگاه عشق و هدیه گل دانه کنند و همزمان تیغ بکشند و بازداشت کنند. جواب زور را با زور میدهیم. ما قوی تریم، ما متحدتریم، ما آماده تریم، شما وحشت زده اید، شما قالب تهی کردید، شما کابوس دارید، کابوس سرنگونی! حق دارید و برماست که کابوستان را به واقعیت تبدیل کنیم.

نابود باد حکومت اسلامی و حجاب این بیرق بردگی زن و نظام آپارتاید جنسی و اسلامی!

#نه_به_حجاب_اسلامی

#حجاب_سوزان

در یک نگاه!

دو تحول تاریخی علیه جمهوری اسلامی ...

دستم گفتم، این هنوز قطره ای از دریای شور و شرف و پیروزی جامعه هشتاد میلیونی است که با سرنگونی جمهوری اسلامی همه رهبران همین حمید نوریها را به محاکمه میکشد. تردیدی نیست محکومیت امروز حمید نوری، محکومیت کلیت جمهوری اسلامی از روز اول تا کنون، محکومیت بنیانگذار قصی القلب شان خمینی و دیگر جنایتکاران به زیر خاک رفته امثال رفسنجانی و بهشتی و ...، تا قاتلان زنده ای چون خامنه ای و رئیسی و روحانی و خاتمی و احمدی نژاد و دیگر سران حکومتی و نظامی و انتظامی این نظام مخوف است. به قول اجتماع کنندگان امروز، این قدم اول است. قدمهای سترگ و زیر و رو کننده در چشم انداز است. این واقعه مهم پیامدهای کمرشکنی برای جمهوری اسلامی دارد، در مورد این جنبه بیشتر باید نوشت.

این پیروزی بزرگ را به مردم حق طلب ایران و آزادیخواهان و برابری طلبان، به ویژه به همه خانواده های داغ دیده قتل عامهای سال ۶۷ و دهه شصت، و دی ماه ۹۶ و آبانماه ۹۸ و فاجعه متروپل آبادان و بستگان صدها هزار اعدام و به انسانهایی که محاکمه و مجازات حمید نوری را ممکن کردند، قویاً تبریک میگویم.

ژوئیه ۲۰۲۲

کارگران جهان متحد شوید!

یادداشتها

سیاوش دانشور

دروود بر زنان و مردان جسور و انقلابی

جمهوری اسلامی در روز "حجاب و عفاف" اش شکست سنگینی خورد. ضربه آنچنان گویج کننده بود که هر امام جمعه و آخوند و مسئول حکومتی از امنیتی تا قضائی و دولتی را بصدا درآورد. زنانی که با جسارت تمام حجاب از سر می کشند و بخشا آتش زدند و مردانی که حمایت می کنند و در این صف از شخصیت خود بمتابه انسان برابر اعاده حیثیت می کنند. حجاب اسلامی بعنوان بیرق بردگی زن در اسلام و یک رکن مهم ایدئولوژیک جمهوری اسلامی، اگر نه هنوز قانونا اما عملا و بصورت دوفاکتو بویژه در شهرهای بزرگ منتهاست که ورافتاده است. تعرض زنان و مردان برابری طلب برای نفی آشکار و علنی این لوگوی رژیم آپارتاید، شاخصی برای گرفتن نبض سیاست در جامعه است. این گوشه ای از نخواستن حکومت اسلامی و قوانین جاری در ایران است که خود را در مصاف تند و عریان نفی حجاب اسلامی بیان می کند.

یکی از دایناسورهای حکومتی گفته است که حجاب اولین خارکریز نظام است، اگر فتح شود بقیه خارکریزها هم سقوط می کنند. مردم هم میگویند چه بهتر، همین را میخواهیم، سقوط همه ارکان و خارکریزهای حکومت اسلامی. امام جمعه بی حیا و جنایتکار اصفهان که مجددا تهدید به اسیدپاشی به زنان در مقابل "اشاعه بی حیایی" کرده بود، بلافاصله به غلط کردم افتاد و ممیزی ها در دفترش اطلاع دادند که حرف ایشان تقطیع و تحریف شده است و اصولا ایشان چنین غلطی نکرده است! تهدید می کنند و اگر دست خودشان باشد دست به هر جنایتی میزنند اما همزمان دلشان قرص نیست، زیر پایشان شل است، تزلزل و تردید دارند. این یعنی تنها با تعرض و پیشروی میتوان تناسب قوا را بنفع خود مساعد کرد. درود بر زنان و مردان جسور و انقلابی! همه جا حجاب اسلامی را بسوزانید! *

حکومت اسیدپاش و معضل آزادی بیان

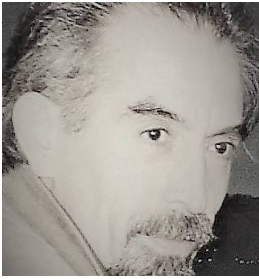
طباطبایی امام جمعه اصفهان گفته است «اگر جواب بی حجابی ها را با اسیدپاشی دادیم، ناراحت نشوید!»!

این سخن را در کنار اظهارات سران رژیم و آخوندهای متفرقه در همین دو روز علیه زنان بگذارید تا وحشت عمیق را در سرتاپایشان ببینید. حالا امام جمعه های اسیدپاش جماعت لمپن آتش به اختیار را بسیج میکنند تا بلکه به زور اسید حجاب را نگاهدارند!

مسخره تر، مشغله جناح دیگر و باند اصلاح طلبان داخل کشوری و همراهان و همفکران توده ایست خارج کشوری و رسانه های امثال بی بی سی است که در باره نقض آزادی بیان تاج زاده عاشورایی بپا کرده

اند. و متاسفانه با این صورت مسئله جعلی، عده ای را بدنبال خود کشانده اند.

به اسیدپاشان باید هشدار داد که اگر چنین غلطی بکنید، دارید رسماً اعلام میکنید که همه چیز مجاز است. بدون تردید جواب سخت خواهید گرفت. آندوره گذشته است، مواظب حرف زدن بعد از شکم سیری باشید!



به اصلاح طلبان و نوع زیباکلام و دیگران باید گفت: شماها استاد الله کرم ها و ده نمکی ها هستید، شماها خلخالی ها و ری شهری ها و گیلانی ها را در صفوف تان دارید. شماها مخترع چماقداری در آن مملکت هستید، خجالت نمی کشید از آزادی بیان آنهم در جمهوری اسلامی حرف میزنید؟ مخاطبین شما چقدر باید خام باشند که این سناریو را از شما بخرند؟

اگر رسانه های باشرف و طرفداران تاکتیکی آزادی بیان وقت کردند، لطفا کمی هم در مورد سناریو سازی برای کارگران و معلمان و فعالین سیاسی صحبت کنند. سکوت در این موارد و برجسته کردن تاج زاده با هدف خاص، نشان میدهد پرنسپ های ادعایی هم بازاری است و تابع منفعت سیاسی در هر شرایط خاص.*

تاج زاده و تحرک بیهوده اصلاح طلبان

اصلاح طلبان و طیف دمکرات های ظاهرا وفادار به آزادی بیان و عقیده، تلاش دارند از تاج زاده نماد حق و بیان و عقیده و زندانی سیاسی بسازند. بار اولشان نیست، زمانی برای خامنه ای و خلخالی و قبلتر خمینی همین کار را کرده بودند. تاج زاده در دعوی کرکس های حکومتی موقتا به زندان افتاده، مثل بسیاری دیگر. این به جنبش برای نفی تمامیت جمهوری اسلامی ربط ندارد. تنها ربطش اینست که این واقعه و مسایلی از این دست، آیا راهی برای پیشروی مستقل ما باز میکند یا نه؟

این به آزادی عقیده و دفاع از آن هم ربط ندارد. تاج زاده و اصلاح طلبان از تریبون های حکومتی تا تریبون های خارج کشوری را بیشتر از هر کسی در اختیار داشته و دارند. من هیچ علاقه ای به دفاع از عقاید ارتجاعی و متحجر و کپک زده تاج زاده ها ندارم. دفاع از حق آزادی بیان برابر با دفاع از مضمون این حق و بیان نیست. چرا من آزادی خواه باید به آدمکشی و زن ستیزی اسلامی احترام بگذارم، نمی گذارم.

ما برای آزادی کلیه زندانیان سیاسی، برای برچیدن جرم سیاسی و زندانهای سیاسی مبارزه میکنیم. ما تنها شخصیت های جنبش خودمان را بلند میکنیم نه عناصر دیروز شکنجه گر امروز ناچریست و مجیزگوی خامنه ای. تاج زاده به جنبش ملی اسلامی تعلق دارد، از قهرمانان این جنبش است، همین جنبش هم روی سر می چرخاند.

زنده باد همبستگی مبارزاتی کارگران!

آیا آسیای میانه میدان بعدی جنگ

بین قدرتهاست؟

وریا روشنفکر

آسیای میانه (Central Asia) به قسمتی از قاره آسیا اطلاق میشود که هیچ مرزی با آب‌های آزاد جهان ندارد. اگر چه مرزهای دقیقی برای این سرزمین تعریف نشده است، ولی به‌طور معمول آن را دربرگیرنده کشورهای ازبکستان، تاجیکستان، ترکمنستان و قزاقستان می‌دانند. بعضا کشورهایی چون افغانستان، شمال شرق ایران، مغولستان، کشمیر، شمال و غرب پاکستان، سین کیانگ در شرق چین و جنوب سبیری در روسیه شامل آسیای مرکزی می‌شوند.

الکساندر لوکاشنکو رییس جمهور بلاروس که عملا به عنوان متحد روسیه درگیر جنگ اوکراین است، در اظهار نظری گفت که بعد از اوکراین، شاهد جنگ در آسیای مرکزی می‌باشیم. با اینکه اوضاع در منطقه بالتیک متشنج است و همچنین روابط بین چین و تایوان در یکی از خصمانه ترین حالت‌های خود است، اما چرا لوکاشنکو منطقه آسیای میانه را بعنوان میدان جنگ آتی نام میبرد؟

امروزه شاهد ظهور طالبان در افغانستان بعنوان دولت مستقر هستیم، هسته حکومت طالبان در واقع دست گروه حقانیست که اساسا یک سازمان تروریستی است و عملکرد چندماهه اخیر طالبان و سراب بودن این ذهنیت که طالبان امروز با طالبان دهه ۹۰ فرق دارد ازسویی، و همچنین حکومت پاکستان بعنوان اصلی ترین حامی طالبان با بیشترین انتقاد روبرو گشته است.

ملا هیبت الله آخوندزاده در نطقی در نماز جمعه، دولتهای ایران و روسیه و چین و هند را بعنوان دشمن خطاب میکند و آنها را تهدید میکند در صورت دخالت و یا حمله به طالبان تا آخرین نفس در برابر آنها مقابله میکند. در این اظهار نظر هیچ سخنی از آمریکا بعنوان تهدید کننده حکومت طالبان بمان نمی‌آید و این شاید جواب بسیاری از پرسشها باشد در مورد نقش آمریکا در سرکار آمدن طالبان و ماموریت این گروه در آینده منطقه.

در این میان سفر پوتین به تاجیکستان و مذاکرات پوتین با امام‌علی رحمان که یکی از سر فصلهای مهم این سفر بحث افغانستان و نقش احمد مسعود بود که گزارشهای غیر رسمی حاکی از حضور وی در این زمان در تاجیکستان است و همچنین سفر قریب الوقوع پوتین به تهران و بحث ارسال پهپادهای ایران به روسیه، همچنین ژنوپولتیک آسیای میانه بعنوان منطقه ای در میان تخاصم و زور آزمایی ناتو و روسیه و چین، نشان از ایجاد یک میدان نبرد بالقوه در این منطقه بین قدرتهای امپریالیستی است.

همچنین باید نگاهی داشت به منافع دولتهای ایران، ترکیه، هند و روسیه در این منطقه و نفوذ و باصطلاح مالکیت تاریخی که برای خود در این منطقه قائل اند و با حضور ناتو در این منطقه به خطر افتاده است. بماند که ترکیه در این میان به واسطه حضور در ناتو هم به نعل میزند و هم به میخ!

سیاست ورود ترکیه به آسیای میانه به‌عنوان بخشی از راهبرد آمریکا که در دهه ۹۰ پیگیری می‌شد دچار ورشکستگی شده است. ترکیه متوجه این نکته شده است که نمیتوان برای تقابل با روسیه و چین وارد همکاری با این کشورها شد چرا که این وضعیت هم علیه منافع خود ترکیه و هم علیه منافع این کشورها است. از این نظر ترکیه در مرحله کنونی در پی همکاری با کشورهای آسیای مرکزی برای محدودسازی روسیه نیست بلکه برعکس به همکاری با این کشورها به‌عنوان عاملی تسهیلگر در همکاری‌ها با روسیه نگاه می‌کند. یعنی ترکیه همکاری با این کشورها را در راستای کلان پروژه همکاری‌های اوراسیایی خود که در درون خود چین و روسیه و ایران را در برمی‌گیرد تعریف می‌کند.

وجود کارخانه تولید پهپاد ابابیل ۲ متعلق به جمهوری اسلامی در تاجیکستان و نقش مهم این سلاح در شرایط کنونی برای ایران و البته روسیه، تاجیکستان را در مرکز توجه و حساسیت بیش از پیش قرار داده است. اکنون روسیه در حال تشکیل یک قطب جدید و البته متحدانی درمقابل غرب و ناتوست. لوکاشنکو معتقد است برای برهم زدن جهان یک قطبی و تشکیل نظم جدیدی در میان قدرتها جنگ غیرقابل اجتناب است و میدان این جنگ آسیای میانه است. واشنگتن پست گزارش کرده است که آمریکا شبکه‌های اطلاعاتی خود را در آسیای میانه گسترش می‌دهد. این خبر پس از آن نشر می‌شود که وضعیت نظامی و سیاسی شمال افغانستان بعد از ولایت‌های پنجشیر و بغلان، در استان بلخاب نیز به وخامت گراییده است.

در ظاهر نشان داده می‌شود که آمریکا نگران وضعیت فعلی در افغانستان است و می‌خواهد با ایجاد شبکه‌های اطلاعاتی و سرمایه گذاری روی منابع انسانی، وضعیت در افغانستان را زیر نظر داشته باشد، اما واقعیت این است که اگر آمریکا علاقه ای به وضعیت افغانستان و مردم آن داشت، این کشور امروز در دامن تروریسم بین المللی پرتاب نمی‌شد. پس می‌توان حدس زد که هدف از این کار، تشدید بحران تروریسم در شمال افغانستان است تا علاوه بر خلق چالش‌های امنیتی برای کشورهای آسیای میانه، به چین هم فشار بیاورد. حضور ناتو در تمامی کشورهای آسیای میانه تحت عنوان "همکاری برای صلح" که در حقیقت نوعی عضوگیری است ولی با هدف‌ها و مسئولیت‌های محدودتر در واقع برای روسیه و چین یک خطر بالقوه محسوب می‌گردد.

اکنون و باتوجه به جنگ اوکراین و ترس از روسیه دور از انتظار نیست که آمریکا با مشوق‌های مالی و ایجاد روابط

زنده باد شوراها!

ارگانهای اعمال اراده مستقیم توده ای را
همه جا ایجاد کنید! در کارخانه ها و
محلات شوراها را برپا کنید! امروز شورا
ارگان مبارزه و قیام و فردا ارگان
حاکمیت!

Workers, Rise Up Against The Capitalist War!

Not To War, Not To Austerity!



به حزب کمونیست کارگری - حکمتیست
کمک مالی کنید!

آیا آسیای میانه میدان بعدی جنگ

بین قدرتهاست ...

اطلاعاتی و امنیتی با کشورهای آسیای مرکزی، مخصوصا همسایه های شمالی افغانستان، از زمینه های درز اطلاعات در خصوص برنامه های امنیتی روسیه در قبال این گروه ها آگاه شود، زیرا امریکا برای جلب همکاری این کشورها کمک های محدود نظامی را ارائه کرده است. چنانچه، امریکا قرار است در سه سال آینده ۶۰ میلیون دلار به تاجیکستان کمک کند. زیرا مقامات امریکایی تصور می کنند که کشورهایمانند تاجیکستان و ازبکستان با توجه به «روابط و شبکه های عمیق شان در افغانستان، اطلاعات ارزشمندی را درباره تهدیدهای تروریستی در افغانستان در اختیار امریکا قرار می دهند. اطلاعاتی که به این منجر می شود که امریکا با استفاده از این گروه های تروریستی، زمینه های به چالش کشیدن کشورهای آسیای مرکزی و نفوذ در جغرافیای سنتی را در در قدم نخست و به تبع آن زمینه های ناامن سازی برای کشورهای روسیه و چین مساعد سازد. امری که با واکنش متقابل روسیه روبرو خواهد شد.

این رویارویی ها و صف کشیدن آنها را میتوان آتش زیرخاکستر دانست و آنچه در این میان روی میدهد کشتار و بیخامانی و اورگی میلیونها انسان دربند این نظامهای ارتجاعی است و بس. برآستی در روابط حاکم بین قدرت ها انسان بزرگترین قربانی و انسانیت واژه ای غریب است.

۱۳ جولای ۲۰۲۲

مجمع عمومی ظرف ابراز

وجود مستقیم و مستمر

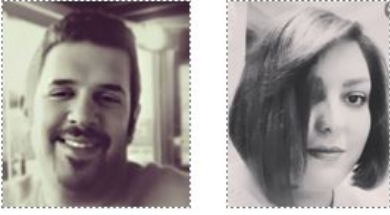
کارگران است! مجمع عمومی

را آگاهانه و بنا به هر نیازی

برپا کنید! جنبش مجمع عمومی

را گسترش دهید!

نه قومی، نه مذهبی، هویت انسانی!



ستون اخبار کارگری و حرکتهای اعتراضی

تهیه و تنظیم: سپیده امیرعسگری و آرش کلهر

بازنده جنگ حجاب، رژیم اسلامی است!
حجاب، بی حجاب

اسلامی از روز ۲۱ تیر امسال شروع نشده است. مبارزه حق طلبانه زنان و مردان آزادیخواه و برابری طلب سابقه طولانی به قدمت تمام عمر رژیم اسلامی دارد که امروز گسترش یافته است. اعتراض به حجاب اسلامی از همان سال ۵۷ شروع شد که در خود پتانسیلی برای سرنگونی رژیم اسلامی داشت و دارد. اعتراض به حجاب اسلامی به اعتراضات دیماه ۹۶ و آبان ۹۸ و اعتصابات کارگری، اجتماعات فرهنگیان و بازنشستگان و تظاهراتهای خوزستان، اصفهان و چهار محال و دهها اعتراض و اجتماع بزرگ و کوچک در چهار گوشه کشور در طی چهار سال اخیر وصل شده است که خواسته اصلی آن سرنگونی رژیم اسلامی و ساختن جامعه‌ای است که در آن آزادی، برابری و رفاه برقرار شود.

ما در برنامه جامعه و کارگران خود را جزئی از آن مبارزه حق طلبانه کارگران، زنان، فرهنگیان، بازنشستگان و جوانان برای سرنگونی رژیم اسلامی میدانیم و از اقشار بنگ آمدن مردم میخواهیم از مبارزات زنان علیه حجاب اسلامی حمایت کنند و ما به سهم خود از همه مبارزات حق طلبانه زنان برای تحقق برابری حقوق زنان در تمام عرصه‌های سیاسی، اقتصادی و اجتماعی حمایت میکنیم.

تیم تلویزیونی برنامه جامعه و کارگران
۲۶ تیر ما ۱۴۰۱

آخرین وضعیت اعتصاب کارگران مجتمع مس سونگون ورزقان

آخرین گزارش‌های رسیده حاکی از این است که شب جمعه ۱۷ تیرماه ساعت ۱۲ شب نیروی یگان ویژه بیشتری وارد مجتمع شدند و با تهدید تلاش کردند تا چادرهای کارگران را جمع کنند و با کنار زدن خودروهای کارگران ورودی معدن را باز کنند، که کارگران بخاطر ممانعت از ایجاد تنش چادرها را جابجا کردند. در نهایت و ساعت ۱ بامداد حسین فتحی مدیرکل اداره کار آذربایجان شرقی به همراه مدیر مجتمع و فرمانده انتظامی منطقه به میان کارگران آمده و سعی در آرام کردن کارگران داشتند. اما کارگران با اشاره به اظهارات کذب فتحی در شبکه استانی درباره عدم برخورد سرکوبگرانه با کارگران حاضر به شنیدن صحبت‌های او نشدند و اعلام کردند که نمایندگان ما در بازداشت هستند و باید آنها را آزاد کرده سپس حاضر به مذاکره خواهیم شد.

حسین فتحی مدیرکل اداره کار و رفاه آذربایجان شرقی در شبکه استانی با دروغ‌پردازی سعی در تکذیب حمله‌ی نیروهای یگان ویژه به کارگران اعتصابی مس سونگون ورزقان را داشت که با اشاره مجری برنامه به فیلم‌های منتشر شده در فضای مجازی مواجه شد. از میان کارگران بازداشت شده تنها سعید جباریان که در جریان یورش نیروهای گارد ویژه دستگیر شده بود آزاد شده است و از سرنوشت ۷ کارگر صفحه ۱۳

رژیم اسلامی ۴۳ سال است برای تحمیل حجاب اسلامی بر سر زنان، از همه ابزارهای سرکوب مانند بکارگیری گله‌های آخوند کپک زده خود که در مساجد شب و روز مشغول تبلیغ خرافات مرد سالاری و زن ستیزانه علیه بشریت هستند استفاده می‌کند. متأسفانه آنها توانستند در بخش افکار عقیمانده جامعه زمینه ساز قتل‌های ناموسی و حتی سازماندهی باندهای اسید پاشی به صورت زنان باشند با این عنوان که "کلید دروازه بهشت" از طریق پوشاندن موی سر زنان میگذرد. با تبعیض علیه حقوق زنان تأثیرات مخربی بر جامعه گذاشتند. به کارگیری تمام وقت رسانه‌ها از رادیو، تلویزیون و مطبوعات برای بخورد دادن خرافات و فرهنگ عقیمانده و ضد زن که نتیجه آن تحمیل بی حقوقی مطلق زنان است و همچنین سازماندهی گله‌های بسیجی منکرات و خواهر زینبها که همواره در کنار "برادران" بسیجی پاسدار، مشغول عملیات اسید پاشی، جرمه، دستگیری و زندانی کردن زنان هستند و تا سازماندهی گله‌های "قضات در دادگاه‌های فرمایشی" برای محکوم کردن زنان با این خیال باطل که آنان را وادار به تسلیم میکنند! اما بازنده اصلی این جنگ خود قوانین آپارتاید جنسی و کل پایه‌های رژیم اسلامی بوده است.

رژیم اسلامی امسال هم مانند همه سالهای عمر ننگینش سه‌شنبه ۲۱ تیرماه را بعنوان شروع هفته "حجاب و عفاف" معرفی کرد. از هفته‌های گذشته از زبان شکنجه‌گران خود در مقام "دادستانها، فرمانداران و آخوندهای کپک زده تهدید کردند ارائه خدمات حمل و نقل و کارهای اداری به زنانی که حجاب اسلامی را رعایت نمیکنند ممنوع میشود. با طرح "هفته‌حجاب و عفاف" میخواستند بار دیگر با روانه کردن گله‌های بسیجی و خواهران زینب به خیابانها حجاب را بر سر زنان تحمیل کنند که از طرف زنان، جوانان و مردان آزادیخواه و برابری طلب جواب دندان شکن دریافت کردند. "حجاب بی حجاب" تبدیل شده به جنگی تمام عیار علیه قوانین ارتجاعی آپارتاید جنسی رژیم اسلامی. از آنجا که "حجاب اسلامی" هویت پایه‌های رژیم اسلامی است و سوزانده شدن آن توسط زنان مبارز و همزمان هزاران زن به نشانه مبارزه و اعتراض به قوانین پوسیده آپارتاید جنسی می باشد، آنها حجاب را از سر برداشته و جلوه‌ای شکوهمند از اتحاد و همبستگی گسترده را به نمایش گذاشتند که سران ریز و درشت رژیم اسلامی را بوحشت انداخت و ناچار به اعتراف شدند که زنان زیر بار قوانین اسلامی نمیروند.

اما سران رژیم اسلامی کور خواندند، اعتراض به تحمیل حجاب

کارگر، معلم پیاخیز، برای رفع تبعیض!

ستون اخبار کارگری

و حرکتهای اعتراضی ...

در اعتراض به فاصله زیاد بین حقوق رسمی ها و شرکتی ها و مطالبه اجرای همسان سازی حقوق ها و رفع تبعیض مقابل ورودی این شرکت تجمع کردند. علاوه بر افزایش حقوق خواست دیگر این همکاران حذف شرکت های پیمانکاری واسطه است.

تجمع اعتراضی کارگران کارخانه داروگر تهران

کارگران کارخانه داروگر برای چندمین بار نسبت به محقق نشدن پرداخت مطالبات مزدی و بیمه های، عدم امنیت شغلی، حذف سرویس ایاب و ذهاب و همچنین تعیین تکلیف وضعیت کارخانه اعتراض کردند.

اعتصاب رانندگان مینی بوس بندرعباس

روز شنبه ۱۸ تیر رانندگان مینی بوس شهرستان بندرعباس با توقف فعالیت های خدمات رسانی و تشکیل صف های طولانی خودروها در منطقه تازیان این شهرستان دست به اعتصاب زدند.

تجمع اعتراضی کادر سلامت بدون سهمیه مقابل دانشگاه علوم

پزشکی تبریز

چهارشنبه ۲۲ تیرماه ۱۴۰۱ پزشکان و پرستاران بدون سهمیه در مقابل دانشگاه علوم پزشکی تبریز تجمع اعتراضی برگزار کردند. خواسته آنان برقراری عدالت و تبدیل وضعیت نیروهای طرحی و قراردادی ۸۹ روزه فاقد سهمیه می باشد.

تجمع و راهپیمایی بازنشستگان شوش و نیشکر هفت تپه

چهارشنبه ۲۲ تیرماه ۱۴۰۱ بازنشستگان شوش در اعتراض به فقر و سفره های خالی، در اعتراض به تبعیض و نابرابری و مبارزه برای داشتن یک زندگی شایسته و انسانی تجمع و راهپیمایی کردند.

تجمع اعتراضی کارکنان و بازنشستگان مخابرات در سراسر کشور

سه شنبه ۲۱ تیرماه ۱۴۰۱ کارکنان و بازنشستگان مخابرات در اعتراض به زیر پا گذاشتن قانون توسط مدیران و سهامداران مخابرات در خصوص قطع و کاهش حق جذب و ثابت ماندن کمک هزینه رفاهی و نپرداختن معوقه های قانونی پاداش بهره وری، حق جذب و ... و همچنین اجرا نشدن آیین نامه استخدامی کارکنان مخابرات مصوب سال ۱۳۸۹ تجمع اعتراضی برپا نمودند.

تجمع سراسری بازنشستگان تأمین اجتماعی

دوشنبه ۲۰ تیرماه ۱۴۰۱ بازنشستگان تأمین اجتماعی در اعتراض به عدم افزایش حقوق و مستمری ها، عدم اجرای کامل همسان سازی و عدم تحقق دیگر مطالباتشان به تجمع های خود ادامه دادند. این تجمعات همچنان در اکثر شهرهای کشور ادامه دارد.

ادامه اعتصاب غذای رضا شهابی و حسن سعیدی

تا روز ۲۳ تیرماه سی و دو روز از اعتصاب غذای رضا شهابی و بیست و سه روز از اعتصاب غذای حسن سعیدی میگذرد. هر دو فعال سندیکایی حال جسمانی شان وخیم است بطوری که دچار ضعف و کاهش وزن زیادی شده اند. علیرغم تمام نگرانی های خانواده شهابی و سعیدی از وضعیت جسمانی این دو زندانی که هفته هاست در اعتصاب غذا هستند، بازپرسی شعبه دوم

بازداشتی دیگر اطلاعی در دست نیست. این ۷ کارگر که در جریان اعتصاب دستگیر شده بودند نیز هنوز در بیخبری و بازداشت به سر میبرند که اسامی آنها ولی الله محمودی، ارشد کاظمپور، جعفر عباسپور، مهرداد منفرد، خدایی، فرزاد زالی زاده و اسماعیل ایزدخواه می باشد. لازم به ذکر است که اسماعیل ایزدخواه از کارگران شرکت آهن آجین در منزل خود توسط نیروهای امنیتی بازداشت شده است.

در روزهای گذشته و پس از خاتمه اعتصاب کارگران معدن مس سونگون ورزقان، نهادهای امنیتی با همکاری مدیریت مجتمع و شرکت های پیمانکاری تعداد زیادی از کارگران این مجتمع را بازداشت کرده اند. به گفته کارگران تعداد بازداشت شدگان به حدود ۲۰ نفر می رسد که کاظم شاهی، صالح محمدی، محمد محمودی، اسماعیل عبادی از کارگران معدن و حاج زید محمودی برادر ولی الله محمودی از کارگران بازداشتی از جمله دستگیرشدگان روزهای گذشته هستند. بنا بر شنیده ها بهنام زارعی روزنامه نگار ساکن ورزقان که روز ۱۸ تیرماه دستگیر شده است هم در همین رابطه و بخاطر شکایت مدیریت مجتمع سونگون بازداشت شده است.

کارگران شرکت های پیمانکاری مجتمع مس سونگون ورزقان روز سه شنبه ۱۴ تیرماه در اعتراض به عدم رسیدگی به مطالباتشان و بازداشت دو نفر از همکاران دست به اعتصاب زدند. در جریان این اعتصاب پنج روزه نهادهای امنیتی و مدیریت مجتمع و شرکت ها با همکاری تمامی دستگاه های دولتی از جمله استانداری، اداره کار استان و فرمانداری ورزقان به سرکوب و حمله به کارگران پرداختند.

مدیران شرکت ها روز شنبه ی گذشته اقدام به انتقال تعداد زیادی از کارگران سایر معادن به معدن سونگون کردند تا بجای کارگران اعتصابی مشغول به استخراج گردند و از تعطیلی کارخانه جلوگیری شود. در ادامه این وضعیت، شامگاه شنبه ۱۸ تیرماه معاون سیاسی استاندار، رئیس اداره کار استان، فرماندار ورزقان و مدیران و فرماندهان امنیتی و انتظامی منطقه در محل شرکت حاضر شدند و ضمن تهدید کارگران، وعده پیگیری خواسته های آنها و همچنین آزادی همکارانشان را عنوان نمودند که پس از آن، کارگران به اعتصاب خاتمه داده به سر کار بازگشتند. اما در چهار روز گذشته نهادهای امنیتی برخلاف وعده های اعلام شده دست به بازداشت گسترده کارگران زده اند. همچنین تعدادی از کارگرانی که از معادن دیگر به سونگون منتقل شده اند با وجود خاتمه اعتصاب اما هنوز در شرکت مشغول به کار هستند و زمزمه اخراج تعداد زیادی از کارگران مجتمع و جایگزینی این نیروهای جدید با آنها وجود دارد.

تجمع کارگران پتروشیمی تبریز

روز سه شنبه بیست و یکم تیرماه گروهی از کارگران پتروشیمی تبریز

ستون اخبار کارگری

و حرکتهای اعتراضی ...

دادسرای زندان اوین با درخواست ملاقات این خانواده ها با زندانیان شان موافقت نکرد، و باز هم خانواده این دو فعال سندیکایی با نگرانی به منزل بازگشتند. اما رضا شهابی و حسن سعیدی تماسی کوتاه از بند انفرادی زندان اوین با خانواده شان داشتند. رضاشهابی طی تماسی کوتاه اعلام داشت، همچنان در بند انفرادی و تحت بازجویی میباشد و تا حدود ۱۲ کیلو کاهش وزن داشته اند و وقتی همسرش اعلام کرد که دوستان و اعضای سندیکای کارگران شرکت واحد و پنج سندیکای فرانسوی درخواست پایان دادن به اعتصاب غذا را از شما دارند، ایشان ضمن تشکر و قدردانی از تمام دوستان و همکاران و نهادهای کارگری بین المللی که نگران سلامت ایشان هستند اظهار داشت تا ادامه بازجویی ها و انفرادی و بلاتکلیفی به اعتصاب غذا ادامه خواهد داد.

در همین زمینه حسن سعیدی دیگر عضو سندیکا که همچنان در بند انفرادی زندان اوین میباشد و بیست و یکمین روز اعتصاب غذایش را پشت سر میگذارد طی تماسی کوتاهی از کاهش وزن و ضعف جسمانی شدید خبر داده و ایشان هم علیرغم درخواست تمامی دوستان و اعضای سندیکای واحد و پنج سندیکای فرانسوی برای پایان دادن به اعتصاب غذا، ضمن تشکر و قدردانی از دوستان اعلام داشتند تا پایان وضعیت بلاتکلیفی و ادامه بازجویی ها به اعتصاب غذایش پایان نخواهد داد.

متن بیانیه پنج سندیکای فرانسوی:

نامه سندیکاهای فرانسه خطاب به رضا شهابی و حسن سعیدی برای پایان دادن به اعتصاب غذا

رضا شهابی عزیز، حسن سعیدی عزیز

سندیکاهای فرانسوی س.اف.د.ت، س.ژ.ت، اف.اس.او، سولیدر و اونسا، اعضای کلکتیو سندیکایی برای ایران، با نگرانی فراوان تحولات وضعیت زندان شما و به ویژه شرایط غیرانسانی زندان را که در معرض آن هستید، را دنبال می‌کنند. وخامت وضعیت سلامتی شما پس از روزها اعتصاب غذا، ما را به شدت نگران کرده است. سلامت جسمانی هر یک از شما پیش شرط تداوم مبارزات شما برای مطالبات بر حق زنان و مردان زحمتکش در ایران است. اعتصاب غذایی که شما شروع کرده اید، افکار عمومی را در مورد وضعیت شما نگران کرده است. ما معتقدیم که جدیت و صمیمیت این اقدام شما حامل پیام بسیار قوی ای به جامعه بین المللی است.

رضا و حسن، زنان و مردان کارگر به شما نیاز دارند!

به همین دلایل، تشکل های سندیکایی ما از موضع سندیکای واحد حمایت می کند و بر این باورند که اکنون پایان دادن به اعتصاب

غذای شما امری ضروری و فوری است.

از نظر ما بهترین کار پایان دادن به اعتصاب غذا جهت ادامه مشارکت در مبارزه برای حقوق اساسی سندیکایی است.

تصمیم شما هر چه باشد، ما البته خواهان آزادی شما و دسترسی به مراقبت های پزشکی مورد نیاز، ادامه خواهیم بود.

با درودها و همبستگی هرچه بیشتر

پاریس، ۱۱ ژوئیه ۲۰۲۲

کنفدراسیون فرانسوی دموکراتیک کار (س اف د ت)

کنفدراسیون عمومی کار (س ژ ت)

فدراسیون سندیکائی متحد (اف اس او - فرهنگیان)

اتحادیه سندیکائی برای همبستگی (سولیدر)

اتحادیه ملی سندیکاهای مستقل (اونسا)

بیانیه ۱۷ تیر ماه کنفدراسیون اتحادیه های کارگری اسپانیا، "کمیسون های کارگران"، در همبستگی با کارگران و معلمان زندانی در ایران و حمایت از نامه سرگشاده خانواده های آنان:

ایران: سرکوب و بازداشت فعالان صنفی و معلمان نقض آشکار استانداردهای بین المللی کار است.

کنفدراسیون اتحادیه های کارگری اسپانیا، "کمیسون های کارگران" طی چندین نامه خطاب به مقامات ایرانی، و با هماهنگی جنبش بین المللی کارگری، به درخواست خانواده های رضا شهابی، حسن سعیدی، جعفر ابراهیمی، آنیسا اسداللهی، رسول بدافی، محمد حبیبی، حسن سعیدی، اسکندر لطفی، شعبان مهدی، کیوان مهدی و مسعود نیکخواه، وضعیت این فعالان سندیکایی را محکوم کرده است.

فعالان سندیکایی در زندان اوین و بدون حق ملاقات زندانی هستند. این فعالان سندیکایی در دو ماه گذشته تحت بازجویی های بی وقفه قرار گرفته اند. ادامه بازداشت و بدرفتاری با آنها نقض آشکار کلیه استانداردهای بین المللی کار، حقوق بشر و کنوانسیون های سازمان جهانی کار، از جمله حق سازماندهی و آزادی تشکل و بیان است.

روز ۱۶ تیرماه ۱۴۰۱، رضا شهابی، عضو هیئت مدیره سندیکای کارگران شرکت واحد اتوبوسرانی تهران و حومه (سندیکای واحد) بیست و پنجمین روز اعتصاب غذای خود را پشت سر گذاشت. مقامات دولتی ایران علیرغم اینکه شهابی در اعتصاب غذا است و حالش وخیم می باشد، بازجویی از او و حبس او را در سلول انفرادی ادامه می دهند. حسن سعیدی، یکی از اعضا و سازمان دهندگان سرشناس همین سندیکا، امروز ۱۷ تیر، در هفدهمین روز اعتصاب غذای خود به سر می برد و به دلیل بازجویی های اجباری که به آن معترض است، تحت فشار فزاینده ای قرار دارد. جان رضا شهابی و حسن سعیدی در خطر است.

خانواده های فعالین سندیکایی و کارگری جعفر ابراهیمی، آنیسا اسداللهی، رسول بدافی، محمد حبیبی، حسن سعیدی، رضا شهابی، اسکندر لطفی، شعبان مهدی، کیوان مهدی، مسعود نیکخواه در نامه ای

ستون اخبار کارگری

و حرکتهای اعتراضی ...

نهایت ۷ سال و ۶ ماه حبس تعزیری برای او قابل اجرا است. شادی اما در این مدت با وجود چنین فشارهایی دست از کار نکشید و پرستار نمونه سال بعد شد؛ تا بالاخره برای فشار مضاعف بر همسرش او را نیز اسیر کردند. با دریافت ابلاغیه و مراجعه به زندان، پس از بازجویی مبلغ ۱۰۰ میلیون وثیقه برای شادی مقرر کردند و مدت یک روز را هم تا مهیا شدن وثیقه در بند عمومی سر کرد. در نهایت نیز توسط قاضی مظلوم، به یک سال حبس به جرم فعالیت تبلیغی علیه نظام محکوم و با وجود درخواست تجدیدنظر، حکم یکساله‌اش عینا تایید و اجرایی شد. حامیان طبقه کارگر، محروم از آزادی بیان، فعالیت اجتماعی و بدیهی‌ترین حقوق شهروندی، در بند هستند. حامی طبقه کارگر و صدای شادی و آرش باشیم.

ابوالفضل نژادفتح جهت تحمل حبس راهی زندان اوین شد

روز دوشنبه ۲۰ تیرماه ۱۴۰۱، ابوالفضل نژادفتح، پس از مراجعه به دادسرای اوین جهت تحمل دوران حبس بازداشت و به زندان اوین منتقل شد. ابوالفضل نژادفتح، دانشجوی رشته انسان‌شناسی دانشگاه تهران، پیشتر در جریان اعتراضات آبان‌ماه ۹۸ بازداشت و در تاریخ ۲۷ آذرماه همان سال با تودیع قرار وثیقه ۲۰۰ میلیون تومانی، به صورت موقت و تا پایان مراحل دادرسی آزاد شده بود. جلسه دادگاه رسیدگی به اتهامات وی، در تاریخ ۱۳ بهمن ماه ۹۸، در شعبه ۲۹ بیدادگاه انقلاب تهران برگزار شد که به اتهام «اجتماع و تبانی» به ۵ سال حبس و از بابت اتهام «تبلیغ علیه نظام» به ۱ سال حبس محکوم شد. این حکم در مرحله تجدیدنظر عینا تایید شده و با اعمال ماده ۱۳۴ قانون مجازات اسلامی، حداکثر مجازات یعنی ۵ سال زندان در خصوص او قابل اجرا است.

ناهید شیرپیشه و سعید دامور بازداشت شدند

در تداوم ادیت و آزار نهادهای امنیتی و اطلاعاتی علیه خانواده‌های دادخواه آبان ۹۸، شماری از این دادخواهان توسط نیروهای امنیتی بازداشت شده‌اند. براساس این گزارش‌ها، ناهید شیرپیشه، مادر پویا بختیاری از جانب‌باختگان قیام آبان، توسط نیروهای امنیتی بازداشت شده است. گفته می‌شود، سعید دامور، برادر وحید دامور از جانب‌باختگان قیام آبان ۹۸ نیز در پی یورش مأموران بازداشت شده و مادر وی نیز به دنبال مقاومت در برابر مأموران، مورد ضرب و شتم قرار گرفته است.

چهار مادر دادخواه دیگر بازداشت شدند

در ادامه بازداشت اعضای خانواده‌های دادخواه آبان ۹۸، مادر سه تن دیگر از جانب‌باختگان این قیام توسط نیروهای امنیتی بازداشت شده‌اند. محبوبه رضائی مادر پژمان قلی‌پور، سکینه احمدی مادر ابراهیم کتابدار، ایران الهیاری مادر مهرداد معین‌فر، رحیمه یوسف‌زاده مادر نوید بهبودی و سمیه جعفر پناه خواهر محسن جعفرپناه بازداشت شده‌اند.

صدای شادی گیلک و آرش جواهری باشیم

شادی گیلک در زندان ۲۸ ساله شد. شادی گیلک در سال ۱۴۰۰ پرستار نمونه بیمارستان شریعتی تهران شد؛ پرستاری که در دوران کرونا جاننش را کف دست گرفته و تحت بیشترین فشارهای کاری و روانی به خدمات‌رسانی به بیماران ادامه داد. همسر شادی گیلک، آرش جواهری را ۱۵ مهر ۱۳۹۹ بازداشت کردند. ۲ ماه تمام در بند ۲ الف اطلاعات سپاه تحت بازجویی و شکنجه سفید قرار داشت و پس از تحمل این فشارها به بند عمومی زندان اوین منتقل شد تا حتی از حق آزادی موقت به قید وثیقه نیز محروم بماند. در دی ماه ۹۹ جلسه دادرسی آرش جواهری برگزار شد و قاضی افشاری او را به ۱۶ سال حبس به اتهامات اداره کردن دسته‌جات غیر قانونی با هدف برهم زدن امنیت کشور، اجتماع و تبانی علیه نظام و فعالیت تبلیغی علیه نظام محکوم کرد. در

**Capitalist
poles' hands
off
people's lives!**

حزب کمونیست کارگری ایران - حکمتیت
Worker-communist Party of Iran - Hekmatisti

اساس سوسیالیسم انسان است!

آدرسهای تماس با حزب
کمونیست کارگری - حکمتیست

دفتر مرکزی حزب

پروین کابلی

daftaremarkzy@gmail.com

رئیس دفتر سیاسی

سیاوش دانشور

siavash_d@yahoo.com

دبیر کمیته مرکزی

جمال کمانگر

jamalkamangar@yahoo.com

دبیر کمیته سازمانده

رحمان حسین زاده

hosienzade.r@gmail.com

دبیر کمیته کردستان

صالح سرداری

sale.sardari@gmail.com

دبیر تشکیلات خارج

نادر شریفی

sharifi.nader@gmail.com



نشریه حزب کمونیست کارگری ایران - حکمتیست

سر دبیر: سیاوش دانشور

Siavash_d@yahoo.com

اگر برای کمونیست مقاله میفرستید:

سر دبیر در انتشار ورد و تلخیص مقالات آزاد است. نشریه کمونیست تنها مقالاتی را منتشر میکند که برای این نشریه تهیه شدند. مطالب باید حداکثر تا ظهر پنجشنبه دریافت شده باشند.

هفتگی کمونیست

برنامه های **تلویزیون پرتو**، رسانه حزب کمونیست
کارگری - حکمتیست را بطور زنده از طریق کانال
آلترناتیو شورایی دنبال کنید و به کارگران و
دوستانتان معرفی کنید. **آدرس خط زنده:**

<https://alternative-shorai.tv/>

زنده باد سوسیالیسم!